

تبیین و بررسی سیر تطور و تحول موضوع مابعدالطبیعه نزد سوارز

اصغر فتحی عمادآبادی^۱؛ علی کرباسی زاده اصفهانی^۲

چکیده

فرانسیسکو سوارز (۱۶۱۷-۱۵۴۸م.) آخرین فیلسوف بزرگ مدرسی در عصر تجدید حیات فرهنگی غرب بشمار میرود که در برخی مباحث فلسفی و مابعدالطبیعی، افقهای نوینی پیش روی معاصران خود گشوده است. او با اینکه پیرو سنت ارسطویی - توماسی بود، موضوع مابعدالطبیعه را نیازمند اصلاحاتی بنیادین میدانست. ارسطو از یکسو بر وحدت موضوع علم تأکید داشت و از دیگرسو بگونه‌یی سخن گفته که گویا چندین موضوع برای مابعدالطبیعه قائل است. تلاش بسیاری از سوی فیلسوفان پس از ارسطو - از سنتهای یونانی و اسکندرانی گرفته تا فلسفه‌های اسلامی و مسیحی، بویژه و در رأس آنان، ابن‌سینا - برای رفع این ناسازگاریها انجام شده است. سوارز در کتاب *مباحث مابعدالطبیعی*، با بررسی آراء گوناگونی که تا زمان وی در اینباره مطرح شده، دیدگاه جدیدی ارائه کرد و «موجود بما هو موجود واقعی» را موضوع مابعدالطبیعه دانست. او برای تبیین دقیق نظر خویش به

۹۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۱۵

این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری رشته فلسفه دانشگاه اصفهان است.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه اصفهان fathiasghar@yahoo.com

۲. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) alikarbasi@ymail.com



توضیح اصطلاحاتی مانند «وجود واقعی» در برابر وجود بالفعل و «وجود ذهنی» در برابر وجود صوری پرداخت و وجود واقعی را «مفهوم ذهنی عام از وجود بمعنای اسمی» دانست. در این مقاله برآنیم تا با بررسی معنای دقیق «وجود واقعی» از منظر سوارز، جایگاه او را در سنت و تاریخ فلسفه در باب موضوع مابعدالطبیعه بررسی و ارزیابی کنیم.

کلیدواژگان: موجود واقعی، وجود بالفعل، وجود صوری، وجود ذهنی، مباحث مابعدالطبیعی.

* * *

مقدمه

ارسطو در آغاز کتاب چهارم *متافیزیک* (*Metaphysics*)، مابعدالطبیعه را علم «موجود بما هو موجود» معرفی میکند و نامهای «فلسفه اولی»، «فلسفه نخستین»، «حکمت» و «الهیات» را برای آن برمیگزیند. همانطور که وی نامهای مختلفی بر این علم نهاده، موضوعات متعدد و متنوعی نیز برای آن در نظر گرفته است. همین امر باعث شده از دیر باز، شارحان و مفسران ارسطو در تعیین موضوع مابعدالطبیعه دچار مشکل شده و هر کدام به طریقی برونند. اقوال و تفاسیر در این زمینه تا قبل از سوارز را میتوان در دو دیدگاه کلی بیان کرد: الف) شارحان و مفسران یونانی ارسطو، ب) شارحان و مفسران قرون وسطایی ارسطو. از میان شارحان قرون وسطای ارسطو از همه شاخصتر، ابن سینا، توماس آکوئینی و اسکوتوس هستند. با ورود ابن سینا به بحثهای قرون وسطی تحولات بسیار زیادی در بحث موضوع مابعدالطبیعه رخ داد. او موضوع متافیزیک را موجود بماهو موجود میداند اما موجود را بنحو عام در نظر میگیرد که شامل خدا و موجودات محسوس میشود و این یک تحول در موضوع مابعدالطبیعه بشمار میرود. سوارز (Suarez) در انتهای قرون وسطی و ابتدای عصر جدید، نظریه خود در باب موضوع مابعدالطبیعه را ابتدا از دیدگاه چهارگانه ارسطو شروع کرده و

